

امامت و تقویت مؤلفه‌های شناختی «سرمایه اجتماعی»

سید محمدعلی شریعتی*

چکیده

امروزه سرمایه اجتماعی دارای اهمیت فراوان است و پایین بودن آن به این معناست که ذخیره اعتماد اجتماعی به قدر کافی در جامعه وجود ندارد و در نتیجه آن پیوندها در جامعه مخدوش شده و اخلاق عمومی مورد تهدید قرار می‌گیرد و بدنبال آن کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی دستخوش بحران می‌شود. در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی در کشورمان ارائه نظریه‌ای بومی و متناسب با ساختار و شرایط سیاسی و اجتماعی کشورمان و با رویکردی دین محور و ارزشی ضروری است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و نیز تاریخی - تفسیری به این مهم پرداخته می‌شود که امامت شیعه، با داشتن شاخصه‌هایی چون عصمت، علم و ولایت الهی ضمن ارائه‌ی بهترین منظومه معرفتی سرمایه اجتماعی در گسترش و تقویت مهم‌ترین مؤلفه‌های شناختی سرمایه اجتماعی یعنی مؤلفه اعتماد و دو شاخه اصلی آن یعنی باور و رفتار اعتمادی بسیار موثر است.

واژگان کلیدی

امامت، ولایت، تشیع، سرمایه اجتماعی، اعتماد، سرمایه اجتماعی شناختی.

*. دکترای علوم سیاسی، گروه معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
shariaty1347@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

طرح مسئله

سرمایه اجتماعی یک مجموعه از نهادهای زیربنایی اجتماع نیست بلکه حلقه اتصال دهنده افراد در قالب نهادها، شبکه‌ها و تشکلهای محسوب می‌شود (اخترمحققی، ۱۳۸۵: ۱) که بر ارتباطات و روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که در لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و از طریق تشکیل و تقویت شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه تسهیل کنش‌های اجتماعی و تأمین نیازهای اجتماعی و گسترش همکاری‌ها، تعاون و مبادله توانمندی‌ها و تخصص‌ها میان انسان‌ها را فراهم می‌کند. در بحث سرمایه اجتماعی مسائل کیفی و چگونگی روابط انسانی دغدغه اصلی دانشمندان قرار گرفته است؛ چراکه برای تکوین آن صرف روابط به‌خودی‌خود کافی نیست، بلکه نیاز به روابطی است که از اساس شامل سجایایی از قبیل اعتماد، صداقت، امانت و ... باشد و بتواند سازوکارهایی اثرگذار در چگونگی روابط میان افراد و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی فراهم آورد.

متاسفانه تحقیقات مختلفی که در زمینه وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران انجام شده، بیانگر فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۲۱۶؛ ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۹۵: ۴۳۱-۴۳۳؛ حمیدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۷ - ۹۵) که نمادهای آن را در گسترش مسائلی چون افول اخلاق، افزایش بی‌اعتمادی و روند روزافزون رفتارهای هنجارشکنانه می‌توان مشاهده کرد. ادامه این وضعیت می‌تواند جامعه ما را با انواع آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو کرده و در آینده بحران‌ساز شود.

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین علل بروز این مشکل در کشورمان توجه صرف به رشد اقتصادی در برنامه‌ریزی‌ها و عدم توجه به فرهنگ غنی شیعه و آموزه‌های مبتنی بر تعالیم امامت در مباحث توسعه‌ای کشورمان است. چراکه نموده‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر جامعه رنگ و بوی هویتی آن را دارد. تشیع و گفتمان غنی امامت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی جمعی ایرانیان علاوه بر آنکه دربرگیرنده آیین‌ها، اصول، ارزش‌ها، احساسات و هویت مشترک مردم ایران است، دارای کارکردهای عمیق مستقیم و غیرمستقیم در سایر حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی آنها از جمله فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی، خانواده، اوقات فراغت و ... است. اسوه بودن امام در شیعه و تأکید بر اطاعت عملی از آن بزرگان، پدیده‌ای علامت‌دهنده برای شکل‌گیری یک نظام سالم اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. به صورتی که گویی منشأ بسیاری از محصول‌های سرمایه اجتماعی در سیره و رفتار ائمه علیهم‌السلام یافت می‌شود و می‌تواند موتور مولد سرمایه اجتماعی در کشورمان قرار گیرد. در این تحقیق ما به دنبال توصیف صرف سرمایه اجتماعی نیستیم، بلکه تلاش داریم با ارائه یک نظریه تحلیلی به سازماندهی عوامل سازنده سرمایه اجتماعی پردازیم و

در این جهت آموزه‌های امامت شیعه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و به این سوال پاسخ دهیم که امامت شیعه دارای چه ظرفیت‌هایی در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در ایران است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که هرچند در امامت به‌طور مستقیم از اصطلاح سرمایه اجتماعی سخنی به میان نیامده ولی محتوای آن در اندیشه و سیره عملی ایشان تبلور یافته است. مفاهیمی چون وحدت، تفاهم، اخوت، اعتماد، صداقت، تعهد و وفاداری به‌وفور در آموزه‌های آن بزرگواران یافت می‌شود که تبیین آنها نقشی راهگشا در تولید سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در کشورمان خواهد داشت. لذا با بازخوانی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی و نگاه ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان مفسران و باطن دین، دلالت‌های مفهومی این مؤلفه‌ها در مجموعه آموزه‌های امامت مورد بررسی قرار گرفته و با تمرکز بحث در حوزه سرمایه اجتماعی شناختی تلاش شده به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که عناصر اصلی و دلالت‌های مفهومی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی در مجموعه آموزه‌های اخلاقی امامت کدام است؟

روش تحقیق

با توجه به ویژگی‌های موضوع که جنبه اکتشافی دارد، در این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی و از روش تاریخی - تفسیری نیز استفاده شده است. در جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش اسنادی، کتابخانه‌ای و تحلیلی استفاده شده و با مراجعه به متن سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام و در جهت تأیید دستگاه مفهومی گام برداشته شده است و در کنار آن با لحاظ ابعاد عینی و ذهنی و سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی شناختی، هر مؤلفه و شاخص مورد بحث قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در نگاه جامعه‌شناسان، دین با داشتن مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. دورکیم^۱ (۱۹۱۷ - ۱۸۵۸) از جمله کسانی است که در کتابش با عنوان صور بنیانی حیات دینی به صورت کلان به مذهب توجه کرده و آنرا ملاط انسجام جامعه می‌بیند. او می‌نویسد تشریفات و احساسات مذهب برای کارکرد مناسب زندگی معنوی جامعه، درست به اندازه غذا برای حفظ حیات جسمی او ضرورت دارد و نیرویی قوی در جهت ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی ایجاد می‌کند. (Durkheim, 1912: 358) گریلی^۲ نیز در

1. Durkheim.
2. Greeley.

پژوهشی با عنوان ساختارهای مذهبی منبع سرمایه اجتماعی، نشان می‌دهد که در کشورهایی که سطح دینداری پایین است سطح سرمایه اجتماعی و به ویژه مشارکت و اعتماد اجتماعی نیز در سطح پایینی قرار دارد. (Greeley, 1997: 587 - 594) ولر^۱ در تحقیق خود با عنوان سازمان دینی و سرمایه اجتماعی، از سازمان‌های دینی به عنوان پل ارتباطی بین مردم و جامعه یاد می‌کند به گونه‌ای که هرچه این ارتباط قوی‌تر باشد سرمایه اجتماعی بیشتر در جامعه یافت می‌شود. (Weller, 2011: 271 - 289) در پژوهش‌های داخلی کتابی و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت‌عنوان دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی، به ارائه رهیافتی پرداختند که در قالب آن دین به عنوان نظامی کثیرالاجزاء و از طریق ابعاد متعدد خود فعلیت سرمایه اجتماعی را محقق می‌کند. گنجی و هلالی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی، بیان می‌کنند که دین با داشتن دستاوردهایی چون تقویت روحیه امیدواری و نشاط، ایجاد روحیه همدلی، همبستگی و انسجام اجتماعی در تقویت سرمایه اجتماعی بسیار مؤثر است. در یک جمع بندی می‌توان گفت در تحقیقات انجام شده به رابطه دین و سرمایه اجتماعی به طور کلان پرداخته شده است ولی موضوع این مقاله که به صورت خاص به نقش و جایگاه امامت شیعه در تقویت سرمایه اجتماعی می‌پردازد تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

سرمایه اجتماعی و اهمیت آن

سرمایه اجتماعی از طرق مختلف می‌تواند در بهبود نهادهای اجتماعی و تسهیل در روند توسعه مؤثر باشد. در بعد اجتماعی به قول دوتوکویل، سرمایه اجتماعی مانند یک چسب، اجتماع را به هم پیوند می‌دهد (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۳) و با تقویت اعتماد اجتماعی ضمن دادن احساس امنیت به فرد، به برقراری، گسترش و عمق‌بخشی به ارتباطات و مشارکت اجتماعی کمک کرده و از فردگرایی مفرط و ضد اجتماعی افراد جلوگیری می‌کند. (تحقیقی، ۱۳۸۲: ۲۲؛ فیلد، ۱۳۸۶: ۹۸)

در بعد اقتصادی، سرمایه اجتماعی با ایجاد جو اعتماد، همدلی و مشارکت نیاز به کارگیری سازوکارهای رسمی را در مبادلات کاهش می‌دهد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۵) و زمینه افقی شدن ساختارهای مدیریتی و کاهش کنترل‌های انسانی، (همان: ۱۷۷) کارایی نهادها، کاهش هزینه‌ها و کسب سود بیشتر را فراهم می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۲: ۴۰) و شرایط را برای ارائه یک افق بلند مدت زمانی برای تفکر و برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و اعتماد به آینده، شکوفایی خلاقیت‌ها و رشد و توسعه

1. Weller.

کشور فراهم می‌آورد. (تحقیقی، ۱۳۸۲: ۲۷) این اثر تا بدانجا است که گفته می‌شود در ازای هر هفت درصد رشد شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری افزایش یافته و یک دهم درصد به تولید ناخالص ملی اضافه می‌گردد. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۶)

در بُعد سیاسی، وجود سرمایه اجتماعی باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی می‌شود. به این معنا که جامعه حق فرمان دادن برای فرمانروایان و وظیفه فرمان بردن خود را از آنان می‌پذیرد (ابوالحمد، ۱۳۸۲: ۲۴۵) و به دنبال آن نیاز به استفاده از ابزارهای اعمال قدرت و کنترل کاهش می‌یابد و به جای صرف هزینه‌های مادی و انسانی برای آنها، این هزینه‌ها برای توسعه صرف می‌گردد و دولت ضمن ایجاد رضایت و اعتماد عمومی، قدرت خود را برای مواجهه با چالش‌های توسعه، افزایش داده و توانایی‌های بین‌المللی و کارآیی خود را افزایش می‌دهد.

بعد شناختی سرمایه اجتماعی و شاخصه‌های آن

سرمایه اجتماعی دارای دو بعد شناختی و ساختاری است. باورهایی که در قالب هنجار قرار می‌گیرند، بعد شناختی و مجموعه شرایط محیطی که امکان عمل به باورها را فراهم می‌سازد بعد ساختاری آن را تشکیل می‌دهد. (Uphoff, 2000: 218) سرمایه اجتماعی در شکل شناختی آن به جنبه‌های ذهنی و نامحسوسی همچون مفاهیم، زبان مشترک، هنجارها، ارزش‌های مشترک و اعتماد اشاره دارد. که در حقیقت بیان‌گر جنبه کیفی سرمایه اجتماعی است. (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

درواقع می‌توان گفت که هر دو بعد سرمایه اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته‌اند و به یکدیگر کمک می‌کنند. بعد شناختی وابستگی متقابل مثبت را برای کنش‌های جمعی دوطرفه خلق و تقویت می‌کند و دیگری (بعد ساختاری) کنش‌های جمعی دارای منافع دوطرفه را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر یکی، مردم را به سوی کنش جمعی سودمند دوطرفه ترغیب می‌کند و دیگری انجام چنین چیزی را تسهیل می‌کند.

شاخصه‌های شناختی سرمایه اجتماعی

در بعد شناختی سرمایه اجتماعی به انسجام اجتماعی توجهی خاص می‌شود که مجموعه هنجارهای اعتماد از مهم‌ترین شاخصه‌های آن محسوب می‌شوند و در شکل‌گیری تعلق جمعی، همیاری و متراکم شدن تعاملات اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. اعتماد به‌عنوان چسب اجتماعی تعریف شده است (رئیس دانا، ۱۳۹۱: ۱۱) که اعضای سازمان را به یکدیگر متصل می‌کند و به‌عنوان جزء اساسی و گام اول تولید سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. وجود تعاریف متعدد از مناظر و رشته‌های

متفاوت دانشگاهی از یک سو و مطالعه‌های تجربی صورت پذیرفته از سوی دیگر، ماهیت اعتماد را بحث‌برانگیز نموده است. ما با الهام از مایر^۱ و همکاران برای متغیر اعتماد دو عنصر باور اعتمادی و رفتار اعتمادی (maxer, 1995: 109 - 134) را در نظر می‌گیریم:

باور اعتمادی^۲ عبارت است از مجموعه‌ای ذهنی و موافق از باورها در مورد دیگران و روابط با آنها که بر اساس آن فرد، فرض می‌گیرد حرکات و اعمال دیگران برای وی نتایج مثبت دربر خواهد داشت که مؤلفه‌های خیرخواهی، روراستی و قابل‌پیش‌بینی بودن و صداقت شاخص‌های اصلی آن معرفی شده‌اند. (mellering, 2004: 540 - 556)

رفتار اعتمادی^۳، اعمال و رفتاری هستند که نشان می‌دهند چقدر اعتمادکننده به فرد معتمد، اعتماد دارد که مشتمل بر سه مؤلفه تشریک مساعی، سازگاری و حل تعارض است. (Diets, 2010: 3 - 14)

مهم‌ترین شاخصه‌های باور اعتمادی

یک. خیرخواهی و حسن ظن^۴

خیرخواهی بر این پایه است که ذات انسان به صورت بالقوه خیر و نیک‌سیرت آفریده شده است و تمایل به نیکی به دیگران و عشق به هم‌نوعان به‌طور طبیعی در او وجود دارد. (karukas, 2012: 553 - 557) در حقیقت سبکی است که در آن فرد، دغدغه و توجه همه‌جانبه‌ای نسبت به دیگران دارد و از طریق رفتارهایی مانند فراهم کردن فرصت برای اصلاح اشتباهات، اجتناب از شرم‌نده کردن افراد در انظار عمومی و دغدغه برای پیشرفت دیگران، سولوک مناسبی را پی‌ریزی می‌کند. (wang, 2010: 106 - 121)

دو. قابل‌پیش‌بینی بودن و روراستی^۵

این مؤلفه به معنای نگرش مثبت در یک فرد، درباره رفتار یا اهداف افراد دیگر است و ایجادکننده سطحی از اطمینان است که شرکا در آن سطح، قصد دست‌اندازی و استثمار یکدیگر را ندارند. در حقیقت این شاخصه جنبه درونی داشته و با توجه کردن به عدم‌تظاهر در رفتار و پرورش وجدان جمعی و توانایی کنترل فردی و گروهی، منافع جمعی مشترک را میان افراد شکل می‌دهد. (خوش‌چهره، ۱۳۸۷: ۱۵)

1. Mayer.
2. Trusting Belief.
3. Action of Trusting.
4. Benevolence.
5. Consistency in Adversity, Being True to oneself.

سه. صداقت^۱

فضیلت اخلاقی است که در ارتباط شخص با خود، خدا، دیگر افراد جامعه و محیط تجلی پیدا می‌کند و در نتیجه آن میان ظاهر و باطن، گفتار با نوشتار و بیان کالبد و رفتار و همه اینها با یکدیگر تعادل برقرار می‌گردد. (نصیری‌زاده ۱۳۸۷: ۲) در مطالعه تعاریف و پژوهش‌های مختلف در این حوزه بر دو جنبه رفتاری صداقت به‌عنوان تطبیق گفتار و اعمال^۲ و صداقت به‌عنوان رفتار و عمل، بر طبق اصول اخلاقی^۳ (Batson, 1999: 525 - 537) تأکید می‌شود.

مهم‌ترین شاخصه‌های رفتار اعتمادی

یک. تشریک مساعی^۴

به رفتاری که انسان‌ها در جهت کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین منافع فردی و جمعی می‌شود (Krishna, 2000: 21) و میزان ریسک‌پذیری و قابل اعتماد دانستن محیط زندگی از نظر فرد را افزایش می‌دهد. (Grootaert, 2005: 18)

دو. سازگاری و مدارا^۵

به معنای احترام گذاشتن، پذیرش و درک غنای فرهنگ‌ها و اشکال و شیوه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها است که به‌وسیله آگاهی، ارتباط و آزادی اندیشه، پرورش می‌یابد. مدارا، هماهنگی در عین تفاوت است که تنها یک وظیفه اخلاقی به‌شمار نمی‌رود بلکه یک نیاز قانونی و سیاسی است. مدارا، فضیلتی است که صلح را امکان‌پذیر می‌سازد و به جایگزینی فرهنگ صلح به‌جای فرهنگ جنگ کمک می‌کند. (یونسکو، ۱۹۹۵)

سه. حل تعارض^۶

میانجیگری افراد در جهت حل اختلافات و منازعات موجود میان آشنایان و همشهریان علاوه بر آنکه برای فرد رضایت به بار می‌آورد، باعث شکل‌گیری روابط سازنده و شبکه‌های حمایتی بالقوه می‌شود. (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۳۱۰)

1. Integrity.
2. Consistency of Words and Action.
3. Ethical Behavior.
4. Collaboration.
5. Compatibility and Tolerance.
6. Adjustment.

شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در امامت

یک. خدامحوری

بدین معنا که همه چیز به خداوند تعلق دارد و ما بنده او و ودیعه‌دارانی بیش نیستیم و هدف الهی از خلقت، رشد و تکامل انسان و آباد شدن دنیا و آخرت اوست و اطاعت خدا یعنی پذیرفتن قوانین و دستورات او برای رسیدن به رحمت الهی است. بر این اساس هدف انسان‌ها در اجتماع، رضایت الهی و تقواست. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۱۵، ۵۸۹ و ۲۱۵)

دو. ولایت‌محوری

ولایت که یکی از مفاهیم اصلی آن پیوستگی است (همان: ۵۲۰) در مکتب تشیع کلید تولید و تقویت سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید. بر اساس آن، ریاست بر امور دین و دنیای مردم و تحقق بخشیدن به برنامه‌های الهی، اعم از حکومت و اجرای احکام الهی، تربیت و پرورش نفس انسانی در ظاهر و باطن با انتصاب الهی، بر عهده امام قرار می‌گیرد. (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۴)

پذیرش ولایت امام بدین معناست که هریک از آحاد امت بایستی ارتباطی محکم و نیرومند با امام امت برقرار کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۶۳ - ۵۶۲) و با تبعیت حداکثری از امام در سه ساحت اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال به او حرکت کنند.

در ولایت، امام، چونان مشعل فروزانی است که همگان او را نظاره می‌کنند و در تربیت نفس و کسب فضایل اخلاقی و تزکیه روان و رفتار خود از رذایل اخلاقی به‌عنوان اسوه و الگوی مناسب برمی‌گزینند. (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۳) امام، میزان و معیار است. حق را از باطل جدا می‌کند. تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند. خوبی‌ها و بدی‌ها با او سنجیده می‌شود و راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود. با وجود شاخصه عصمت در امام، شیعیان مطمئن خواهند بود که پیروی از امام رضایت الهی را برای آنان به همراه خواهد آورد و اجر خود را دریافت می‌کنند. به این ترتیب مفهوم ولایت در شیعه قاعده‌ای اساسی است که با وحدت‌بخشی، نیروهای شخصی را به یک توان و سرمایه اجتماعی تبدیل می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۵۶ - ۵۴۴) و به‌مثابه کشتی نجاتی است که بسیاری از ایثارگری‌ها و از خودگذشتگی‌ها را در حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی تقویت می‌کند.

سه. اُمت‌محوری

امامت به‌دنبال ساختن روح انسان و رساندن او به سر منزل تکامل مقدرش که در قرآن تحت‌عنوان تزکیه و تعلیم و تخلق انسان‌ها به اخلاق‌الله بیان شده می‌باشد (همان: ۵۱۵) و برای رسیدن به این هدف توجه

به بستر و ساخت اجتماعی و ایجاد نظام توحیدی که در آن همه چیز اعم از سنت، آداب، فرهنگ و ... از خدا الهام می‌گیرد و از هوا و هوس‌ها تهی شده ضروری است. جامعه‌ای با مقررات و طرز فکر الهی که کمال هم‌بستگی، اتحاد صفوف و فشرده‌گی هرچه بیشتر آحاد و جناح‌های گوناگون را در خودش تأمین می‌کند تا هیچ‌گونه تفرق و اختلافی در سرتاسر امت عظیم اسلامی نباشد. (همان: ۵۳۸ - ۵۲۱)

چهار. وحدت و اخوت

ولایت با ارائه هنجارهای مشترک و در جهت تشکیل امت اسلامی بر افزایش ارتباطات مطلوب اجتماعی تأکید می‌کند. از این منظر، افراد جامعه همانند زنجیرهای به هم پیوسته تکمیل‌کننده هم و پیونددهنده یکدیگر هستند و حرکت به طرف کمال و ابدیت به صورت کاروانی و از طریق تعاملات اجتماعی مؤمنانه انجام می‌گیرد. همه در این حرکت مسئولیت داشته و باید یکدیگر را یاری کنند. امام علی علیه السلام در سخن مشهور خود خطاب به مردم می‌فرماید، شما مسئولیت دارید که حقوقی را که بر عهده شما هست حتی نسبت به چهارپایان و زمین ادا کنید. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۳۱۹) در جهت شکل‌گیری امت اسلامی، اخوت، به‌مثابه یک شبکه بزرگ اجتماعی مطرح می‌شود که در آن مؤمن، برادر، پدر و مادری مؤمن محسوب می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۰۰) شیرازه اخوت در وجود امام نهفته است و با پذیرش ولایت، همه مؤمنان به‌وسیله خط طولی امام به یکدیگر متصل می‌شوند. زمانی که فردی عضو این شبکه می‌شود، برادر ایمانی دیگر مسلمانان به‌شمار رفته و همگان در قبال او وظایفی پیدا می‌کنند و حقوقی را برای او به ارمغان می‌آورد که برخی از آنها عبارتند از احترام به مؤمن، حفظ آبروی مؤمن، حقوق هم‌نشین مؤمن، شاد کردن دل مؤمن، یاری برادران مؤمن، دفاع از حیثیت مؤمن، حقوق همسایگان، نهی از آزردهن مؤمن و ... در واقع شبکه‌های اجتماعی که در سایه اخوت شکل می‌گیرند، موجب دوستی مسلمانان و مهرورزی اهل ایمان با یکدیگر و اصلاح ذات‌البین می‌گردند و روابط اجتماعی بر مبنای کرامت انسان‌ها ایجاد می‌کنند.

پنج. اعتماد

اعتماد به‌عنوان جزء اساسی سرمایه اجتماعی و به‌عنوان مهم‌ترین قسمت هم‌گراساز در جامعه، باعث ایجاد یک رفتار قابل‌پیش‌بینی و معنی‌دار شدن روابط متقابل در جهت گسترش مشارکت در مسائل عمومی شده و در حفظ انسجام و وحدت نظام اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. فقدان اعتماد به این معناست که جامعه هنوز توانایی همکاری و همیاری را ندارد. (خلفخانی، ۱۳۸۶: ۱۱۵) وجود شاخصه‌هایی چون عصمت و علم الهی در امام زمینه ایجاد اعتماد و استمرار آن را میان امام و امت

فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر ماهیت ولایت، مولد اعتماد است. از طرف دیگر با توجه به اینکه ولایت به دنبال ایجاد جامعه توحیدی است که در آن زمینه رشد و تکامل الهی انسان فراهم شود در آموزه‌های آن مؤلفه‌های ایجابی اعتماد، مانند امانتداری، وفای به عهد، حقوق برادران مؤمن و ... که موجب به وجود آمدن اعتماد می‌گردند و مؤلفه‌های سلبی آن مانند، نهی از تهمت، دروغ، کینه‌ورزی، نیرنگ، سخن‌چینی و نامی، غیبت و ... که مانع از اضمحلال اعتماد در جامعه می‌شوند بسیار مورد تأکید قرار دارد. حال با توجه به مؤلفه‌های گفته شده به مهم‌ترین مصادیقی که تقویت‌کننده مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی شناختی هستند اشاره می‌کنیم.

امامت و تقویت سرمایه اجتماعی شناختی

همان‌طوری که ذکر شد در بعد شناختی سرمایه اجتماعی، هدف اصلی رسیدن به انسجام اجتماعی است که مجموعه هنجارهای اعتماد، جزء اساسی و گام اول تولید آن محسوب می‌شوند. در این قسمت به صورت اجمال به برخی از مصادیقی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی امامت برگرفته شده و در تقویت دو عنصر اصلی اعتماد یعنی باور اعتمادی با مؤلفه‌های خیرخواهی، روراستی و قابل‌پیش‌بینی بودن و صداقت و رفتار اعتمادی با مؤلفه‌ها تشریک مساعی، سازگاری و مدارا و حل تعارض، نقش مهمی ایفا می‌کنند، می‌پردازیم.

امامت و تقویت باورهای اعتمادی

امامت و خیرخواهی و حسن‌ظن

«نصح» در لغت، خالص شدن و خالص کردن است (شیرخانی، ۱۳۹۷: ۸۷) و نصیحت به معنای کلمه‌ای است که به وسیله آن اراده خیر برای نصیحت‌شونده بیان می‌شود. (طریحی، ۱۴۰۶: ق: ۲ / ۴۱۸) چنان‌که گفته شد پیوستگی و اخوت بین مؤمنین یک قاعده مبنایی در ارتباطات اجتماعی شیعیان است که از مفهوم ولایت گرفته می‌شود و آن به این معناست که رسیدن به ولایت معصوم در گرو محبت، دلسوزی و خدمت به انسان‌هاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۲ - ۵۱۹) و عدم رعایت احترام و حقوق مؤمنان به معنای عدم وصال به ولایت خواهد بود. با توجه به تأکیدات آن بزرگان بر این اصل که حتی از آن به‌عنوان صفت و غریزه مؤمن یاد شده است، «المؤمن غریزه النصح و سحیته الکظم» (نوری، ۱۴۱۲: ۲ / ۴۱۲) خیرخواهی در زمره ملزومات اصلی تشیع و دارای ابعاد گسترده حقوقی، سیاسی، فقهی و تربیتی است و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه را شامل می‌شود. در این قسمت به تفکیک شواهد مؤید آن را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یک. حوزه سیاسی

خیرخواهی در سیاست مفهومی عام و قلمرو گسترده‌ای دارد و هرگونه گفتار و کردار خیرخواهانه از سوی حاکم و مردم نسبت به یکدیگر و همچنین مردم نسبت به هم را دربرمی‌گیرد. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۴۹ - ۴۵) بر همین اساس، مسائلی چون گزارش نقص‌ها و کاستی‌ها به مسئولان هم از مصادیق نصیحت به ائمه مسلمین است. از سوی دیگر داد مظلوم از ظالم و ستاندن آن توسط حاکم نیز از مصادیق خیرخواهی امام و حاکم می‌تواند قرار گیرد. (شیرخانی، ۱۳۹۷: ۸۶ - ۸۴)

دو. حوزه فردی

با توجه به نگاه توحیدی امامت، انسان‌ها عبادالله محسوب شده و به دلیل انتصاب آنها به حضرت احدیت خیرخواهی برای همه انسان‌ها از جمله اموری است که باعث جلب رحمت‌الهی می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۴۰ - ۳۳۹) حضرت علی علیه السلام فرمود:

ابلق ما تستدر به الرحمه ان تضرر لجميع الناس الرحمه. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۰)
رساترین و مهم‌ترین عاملی که سبب بهره‌مندی از رحمت ایزدی می‌شود این است که در باطن خیرخواه همه مردم باشی.

بر این اساس شیعیان باید همواره خیرخواه و خدمتگزار دیگران باشند و چنانچه دریافتند که خطری آنان را تهدید می‌کند، مشفقانه آنان را یاری کنند. این مهم باید در حضور و غیاب دیگران نیز جریان داشته باشد. بدین معنا که شیعیان از حالت دوگانگی بپرهیزند و این‌گونه نباشد که در حضور، اظهار اخلاص کرده و در غیاب بی‌تفاوت باشند.

سه. حوزه اجتماعی

یک شیعه جامعه‌گرا است و کسی است که در عین استفاده از مواهب دنیا به دنبال خوبی‌هاست؛ دلسوز است و سعی می‌کند آنچه صلاح مردم است برای آنها فراهم آورد و به حقوق دیگران توجه می‌کند و در کنار آن به صورت معقول در حفظ آبروی خود و دیگران می‌کوشد. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۵۰۹) در روایات چهار نشانه برای شخص خیرخواه بر شمرده شده است؛ به حق قضاوت می‌کند و از خود به دیگران حق می‌دهد، برای مردم همان می‌پسندد که برای خود می‌پسندد و به حق هیچ‌کس درازدستی نمی‌کند. این چهار نشانه در تقویت سرمایه اجتماعی شناختی بسیار می‌تواند مؤثر باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۰ / ۵۷) در همین جهت در روایات اعمال بدخواهانه بسیار مذمت شده است. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید، آن کس که بر ضد مؤمنی به قصد آبروریزی و از بین بردن آقایی او سخنی

گوید تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خود خارج و به طرف ولایت شیطان رها می‌کند، ولی شیطان نیز او را نمی‌پذیرد (کلینی، ۱۳۷۶: ۲ / ۳۵۸) و در کنار آن رحمت و خیرخواهی را از صفات بهشتیان برمی‌شمارند و می‌فرمایند، هیچ مؤمنی برای برآوردن نیاز برادر مؤمنش قدمی بر نمی‌دارد و برای او در برطرف کردن آن نیاز خیرخواهی نمی‌کند مگر اینکه خدا برای هر گام او حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی را پاک می‌کند، چه آن نیاز برآورده شود یا نشود. (مجلسی، ۱۳۷۱: ۶۹ / ۳۸۶)

حسن ظن و خوش‌گمانی

این مؤلفه نیز یکی از صفات شایسته اخلاقی است که در آموزه‌های امامان بر آن تأکید شده و از لوازم جلب دوستی و محبت مردم برشمرده شده است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲ / ۶۶) امام علی علیه السلام بدگمانی را مساوی با بی‌دینی می‌داند و در جایی دیگر، بدترین مردم را کسی می‌داند که به هیچ‌کس اعتمادی ندارد (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۷۰۳) و در مقابل، خوش‌گمانی را از اخلاق عاقلان می‌داند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۳) با توجه به اینکه این شاخصه امری درونی و قلبی است، در جهت تقویت آن ائمه علیهم السلام به عقلانیت و کرامت نفس انسان‌ها توجه خاصی دارند. چراکه این دو قوه در تشخیص و انگیزه انسان‌ها در حرکت به طرف نیکی و صلاح و دور شدن از شر و فساد، نقشی اساسی ایفا می‌کنند و انسان را از عجب و خودخواهی به‌عنوان مهم‌ترین مانع خیرخواهی دور می‌کنند؛ چراکه انسان‌های مغرور، دیگر مخلوقات را ناچیز می‌شمارند و به همه مردم به دیده خواری نگاه می‌کنند و با خود محوری، خیر و هم‌گرایی اجتماعی را از بین می‌برند. بر همین اساس عقلانیت از ارزش‌های مطلق است که در آموزه‌ها امامت به آن پرداخته شده است و از آن به پیامبر درون و وسیله پرستش خدا و به‌دست آوردن بهشت یاد شده است. امام صادق علیه السلام در این ارتباط می‌فرمایند، پایه شخصیت انسان عقل است و عقل، انسان را کامل می‌کند و راهنما و کلید کار اوست و چون عقلش به نورخدایی مؤید باشد دانشمند، حافظ، متذکر، با هوش و فهمیده باشد و از این‌رو بداند چگونه، چرا و کجاست و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد و چون آنها را شناخت، روش زندگی خویش را بشناسد و در یگانگی خدا و اعتراف به فرمانش مخلص شود. (کلینی، ۱۳۹۲: ۱ / ۶) طبیعی است که چنین دیدگاهی باعث می‌شود که انسان‌ها، با توجه به عقل و ائصاف به صفت اخلاقی کرامت و بزرگواری و دوری از پستی و ذنات، کریمانه و بزرگوارانه به شخصیت و کرامت یکدیگر ارج نهند و خیرخواه یکدیگر شوند. (علینی، ۱۳۹۳: ۱۵۷)

امامت و قابل‌پیش‌بینی بودن و روراستی

چنان‌که گفته شد پذیرش ولایت امام بدین معناست که هریک از احاد امت بایستی ارتباط محکم و

نیرومندی با امام امت برقرار کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۴۴) و ملاک ولایت داشتن، به معنای تبعیت حداکثری از امام در سه ساحت اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال به اوست. شیعه حقیقی می‌کوشد خود را در این سه حوزه شبیه امام سازد. بنابراین مسیر شیعیان به سمت هماهنگی رفتاری با امامان است و از طرف دیگر در آموزه‌های امامت توجه به تقوا و مؤلفه‌های ایجاد اعتماد اعم از ایجابی مانند، امانتداری، وفای به عهد، حقوق برادران مؤمن ... و سلبی مانند، نهی از تهمت، دروغ، کینه‌ورزی، نیرنگ، سخن چینی و نمایی، غیبت و ... بسیار مورد تأکید قرار گرفته‌اند و شیعیان باید خود را مرتبی به این تربیت سازند تا حفاظ درونی در مقابل این کژی‌ها پیدا کنند. این مهم، در تقویت این مؤلفه از سرمایه اجتماعی شناختی بسیار اثرگذار است که به بعضی از مصادیق آن اشاره می‌کنیم.

یک. تقوا

درونی کردن هنجارها یکی از مؤثرترین عوامل پیروی کردن از آنهاست (ملوین ال. دفلور و سایرین، ۱۳۷۱: ۱۱۷) و در این جهت یکی از بارزترین قواعد حاکم بر نظام فکری و عملی شیعیان، تقوا و کار برای خداوند است. مسلماً کسی که خدا را خالصانه عبادت کند و قلب خود را متوجه صفات نیک پروردگارش نماید، در نحوه ارتباطش با مردم اثر می‌گذارد و موجب بهبود رابطه‌اش با مردم می‌شود. نکته مهمی که در کلام معصومین وجود دارد بیان جزئیات و خصوصیات اخلاقی، رفتاری، فردی و اجتماعی متقین است. در این بیان، یک شیعه به دنبال خوبی‌هاست، دلسوز است و سعی می‌کند آنچه صلاح مردم است برای آنها فراهم آورد. به هنگام برخورداری از نعمت‌های الهی دچار کبر و غرور نمی‌شود، به حقوق دیگران توجه می‌کند و در کنار آن به صورت معقول در حفظ آبروی خود و دیگران می‌کوشد (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۵۰۹) و جز با فروتنی و خاکساری و امانت‌داری و بسیاری یاد خدا شناخته نمی‌شود. در نگاه ائمه علیهم‌السلام پرهیزکاران هم به رابطه خود با خداوند توجه دارند و هم مردم، نشاطاً فی هدی، در راه هدایت انرژی‌دهنده و شادی‌آفرین هستند و در عین حال در ارتباطات اجتماعی «منطقهم الصواب» است؛ یعنی، راست‌گویند، حرف زشت از دهانشان خارج نمی‌شود و افراد را با القاب زشت نمی‌خوانند و گفتار و کردارشان با هم هماهنگ است. (میریان و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴۸) طبیعتاً این صفات، انسان‌های قابل اعتماد و قابل پیش‌بینی را تربیت می‌کند.

دو. امانت‌داری و وفای به عهد

این صفت نیز در تقویت اعتماد و قابل‌پیش‌بینی شدن افراد بسیار مؤثر است که در آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است. به طوری که در کلام آن بزرگان از نشانه‌های دین‌داری شمرده شده است:

«راس الاسلام الامانه» (التمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷) و «شر الناس من لا یعتقد الامانه و لا یجتنب الخیانه» (همان: ۱۷۵) بدترین مردم کسی است که به امانت معتقد نباشد و از خیانت پرهیز نکند.

امامت و صداقت

صداقت، فضیلتی اخلاقی و کمال ذو مراتب است که در معنای وسیعش شامل، صدق در نیت، رفتار و ساختار است که در ارتباط فرد با خود، خدا، افراد دیگر جامعه و با محیط تجلی پیدا می‌کند و احراز آن از طریق مؤلفه‌هایی چون، انصاف، راست‌گویی به معنای مطابقت سخن با واقعیت و باور به دست می‌آید.

در آموزه‌های امامت، صداقت از خصوصیات عالی اخلاق انسان است که در زمره زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک‌بختی انسان شناخته شده است و از آن به‌عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی و برادر عدالت (همان: ۲۶۵) و باعث جلب توفیق الهی (مجلسی، ۱۳۷۱: ۶۹ / ۳۸۶) یاد می‌شود. در مقابل، کذب و دروغ‌گویی ریشه همه فسادها و سرچشمه همه تباهی‌ها دانسته شده است. در کلام امامان، انسان برای به‌دست آوردن صداقت سه مرحله را باید پشت سر گذارد:

یک. صدق در گفتار

امام علی علیه السلام می‌فرماید: راست‌گو باش، پس کسی که در گفتارش راست‌گو باشد، دارای قدر و منزلت خواهد بود. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸)

دو. صدق در کردار

امام علی علیه السلام می‌فرماید: ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم، مگر اینکه پیش از شما خود به آن عمل کرده باشم و شما را از معصیتی نهی نمی‌کنم، مگر اینکه پیش از شما از آن دوری کرده باشم. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۱۳۳۱) امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرماید، مردم را با غیر زبانتان به کار نیک فرا بخوانید تا کوشش، راستی و پرهیزکاری را از شما مشاهده کنند. (کلینی، ۱۳۹۲: ۲ / ۸۶)

سه. صدق در پندار

انگیزه و اندیشه برای اعمال انسان بسان جان برای تن است. اساس کار را نیت و فکر آدمی می‌سازد و اعمال و رفتار انسان در حقیقت، برآمده از نیت اوست. بر این اساس میزان ارزشمندی عمل انسان

به اندیشه و نیتی است که در سر دارد. در کلام امام کاظم علیه السلام راست‌پنداری و صدق در نیت، پیش‌نیاز و پایه صدق در گفتار و کردار محسوب می‌شود و دین جز با نیت راست برقرار نمی‌گردد. (مجلسی، ۱۳۷۱: ۷۸ / ۳۱۲)

امامت و تقویت رفتار اعتمادی

امامت و تشریک مساعی

پیوستگی و اخوت مؤمنین در جهت شکل‌گیری امت اسلامی و ایجاد بستر مناسب برای رسیدن به اهداف الهی به‌عنوان یک قاعده مهم در بحث امامت مورد توجه است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۲۰) ائمه علیهم السلام با ارائه هنجارهای مشترک مبتنی بر فضائل اخلاقی بر افزایش ارتباطات مطلوب اجتماعی تأکید می‌کنند؛ چراکه از منظر دین، افراد جامعه همانند زنجیرهای به هم پیوسته تکمیل‌کننده هم و پیونددهنده یکدیگر هستند و حرکت به طرف کمال و ابدیت به صورت کاروانی و از طریق تعاملات اجتماعی مؤمنانه میسر است و همه در این حرکت مسئولیت داشته و باید یکدیگر را یاری کنند. بر همین اساس در آموزه‌های آنها راهکارهای بسیاری برای تقویت تشریک مساعی وجود دارد. که به دو مورد از مصادیق مهم آن اشاره می‌کنیم.

یک. ایثار

ایثار به معنی برگزیدن، عطا کردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۸۶) در کلام ائمه علیهم السلام بالاترین درجه ایمان (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲) و از نشانه شیعه بودن بر شمرده شده است (مجلسی، ۱۳۷۱: ۶۸ / ۱۶۳ - ۱۶۲) و آن بدین معناست که یک شیعه با اینکه رفتاری مثبت و اعتمادآميز از طرف مقابلش نمی‌بیند، به ارتباط مثبت با او دست می‌زند و در زندگی اجتماعی نیز با بخشش و گذشت با دیگران رفتار می‌کند و در برابر کارهای خیر خود هیچ پاداشی را از مردم انتظار ندارد؛ چراکه هدف او فقط جلب رضایت الهی است. ایثار در گونه‌های مختلفی چون، فداکردن جان، دادن مال، هزینه کردن اعتبار و گاهی اوقات ترکیبی از اینها انجام می‌گیرد.

دو. مواسات

در کنار ایثار مفهوم مواسات به‌عنوان بالاترین مرتبه ایثار و عنصری مهم در تقویت این مؤلفه در فرهنگ اهل‌بیت علیهم السلام مطرح می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۹۸) و آن بدین معنا است که انسان در

ایثار تا آنجا پیش رود که دیگران را در مال خود شریک کند و همسان آنان زندگی کند. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در سوره عصر آیه ۳، عمل صالح را به معنای مواسات با برادران دینی می‌دانند. (حکیمی، ۱۳۸۵: ۵ / ۱۵۹) همچنین در روایت دیگری از آن حضرت، مواسات بین برادران دینی، حق مؤمنان بر یکدیگر معرفی شده و تأکید می‌شود که بایستی در این راه، حتی جان خویش را نیز فدای برادر مؤمن خویش کنند. (صدوق، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۲۸) بدیهی است که در این نگاه عمیق‌ترین و زیباترین شکل تشریک مساعی رخ خواهد داد.

امامت و سازگاری و مدارا

در ابتدا لازم است به این نکته اشاره داشته باشیم که مفهوم رفق و عفو، در فرهنگ اسلامی، با تساهل و تسامح یا مدارا در تفکر غربی کاملاً متفاوت است. مفهوم رفق و مدارا در اسلام به معنای سازش با هرگونه تفکر دینی و غیردینی و یا تأیید آنها نیست؛ زیرا اسلام متبنی بر پذیرش وجود حقیقت یگانه و اصول و قواعدی الهی است. چنین تفکری نمی‌تواند قواعد خارج از آن را اگر شامل اصول صحیحی نباشد، بپذیرد. ملاک حقانیت در دیدگاه دینی، کلام خداوند است که به‌عنوان آفریدگار انسان، اصول دینی اسلام را برای سیر تکاملی او تعیین نموده است. این در حالی است که بر مبنای تساهل غربی، حقانیت مطلق به این معنی وجود ندارد و هیچ مکتب و دینی نمی‌تواند ادعای شناخت و سیر به سوی حقیقت را داشته باشد. مطابق با این تفکر نسبی‌گرایانه و شکاکانه، هر اندیشه و روشی می‌تواند در جایگاه خود صحیح باشد و باید طرف‌داران اندیشه‌های گوناگون، نسبت به هم تساهل مطلق داشته باشند. چنان‌که مشهود است، این تفکر کاملاً با تفکر اسلامی در مورد رفق و مدارا تفاوت دارد و به هیچ‌عنوان هدف اسلام را که همان رسیدن انسان به کمال عالی است، دنبال نمی‌کند. (خدری، ۱۳۹۴: ۷۱ - ۷۰)

چنان‌که در بحث‌های قبلی نیز اشاره شد قاعده کلی در امامت، حرکت در جهت تقویت پیوستگی مؤمنین و تشکیل امت اسلامی مبتنی بر اخوت و مسئولیت همگان در جهت هدایت است. بر همین اساس به اهم توصیه‌های ائمه علیهم السلام که تقویت‌کننده این مؤلفه است، می‌پردازیم:

یک. حُسن خلق (خوش برخوردی) و حُسن معاشرت (ادب)

به شیعیان توصیه شده است ضمن حفظ شئون اسلامی و حسن معاشرت در جامعه (مردمداری) و همراهی با مردم در اخلاق و عادات پسندیده و افعال نیکو (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۴۰۱ - ۳۸۱) در برخورد

با عقاید متفاوت نیز با حسن خلق برخورد کرده و با گذشت و مدارای آگاهانه، با برخورد منطقی و مستدل و به دور از توهین به دفاع از عقاید خود بپردازند. (صدوق، بی تا: ۳۹۰)

دو. تحمل مخالف

ائمّه اطهار علیهم‌السلام همان گونه که در اجرای دستورات خداوند انعطاف‌ناپذیر و جدی بودند، در مواجهه با مخالفان خود تا آنجا که شرع اجازه می‌داد به‌ویژه هنگامی که به شخص خودشان جفا یا توهینی صورت می‌گرفت، با عفو و مدارا برخورد می‌کردند. در بیانی دیگر امام علی علیه‌السلام سفارش می‌کنند که شیعیان در برابر تفاوت‌ها و عقاید متفاوت باید ضمن اولویت دادن به موازین شرعی، با دیگران با احترام و نیکویی سخن بگویند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ۲۳۳؛ شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۶۶۵) و از اهانت به مقدسات دیگران حتی مشرکان اجتناب نمایند.

امامت و حل تعارضات

چنان که بیان شد پذیرش ولایت امام مهم‌ترین عامل اعتمادبخش و از بین برنده تعارضات است؛ چراکه امام به‌عنوان اسوه و الگوی شیعیان برای حرکت در مسیر انسانیت میزان و معیار است، حق را از باطل جدا می‌کند و تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند. خوبی‌ها و بدی‌ها با او سنجیده می‌شود و راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود و در نتیجه اختلافات و تفاوت‌ها از میان می‌رود و سرمایه اجتماعی در جامعه حفظ و استمرار می‌یابد. در همین راستا برای تقویت اخوت اسلامی مکانیسم‌هایی برای حل و کاهش تعارضات درآموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام مطرح شده که به‌طور اجمال به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

یک. ایجاد ارتباطات برادرانه

طبیعتاً هرچه روابط انسان‌ها همراه با احترام، محبت، دلسوزی و رعایت حقوق دیگران باشد زمینه شکل‌گیری تعارضات کاهش می‌یابد. این مهم در کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام بسیار مورد تأکید است. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند، کسی که مؤمنی را شادکند، خداوند روز قیامت دل او را شاد می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۸: ۲ / ۱۹۳) همچنین می‌فرمایند، کسی که برادر مسلمان خود را با سخنی ملاطفت‌آمیز و با هدف رفع مشکلش گرامی بدارد تا هنگامی که در این حال است، در سایه رحمت خداوند قرار دارد. (همان: ۲ / ۲۰۷) همچنین امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند، کسی که با مردم با مسالمت رفتار کند، دوستانش بسیار و دشمنانش اندک شوند. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱ / ۵)

دو. تشویق بیان نظرات موافق و مخالف

یکی از زمینه‌های نارضایتی افراد، بی‌توجهی به نظرات آنهاست. در جهت کاهش تعارضات در این آموزه‌ها تأکید بر تضارب آراء و زمینه‌سازی برای بیان نظرات مخالف و منتقد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید، تضارب آراء کنید تا اندیشه درست متولد شود و نیز می‌فرماید، رأی را مانند جنبانیدن مشک بر هم زیند تا رأی درست و محکم برایتان به بار آید و هر که به استقبال آرای مختلف برود جایگاه خطا را بهتر خواهد شناخت. (شیخ رضی، ۱۳۷۹: ۶۶۵) تأکید بر مشورت نیز در همین راستا قرار دارد؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید هرکس با رجال مشورت کند، از اندیشه آنها بهره گرفته است. (همان)

سه. شفاف‌سازی

در بحث کاهش تعارضات، لزوم شفاف‌سازی و پرهیز از ابهام بسیار ضروری است. امام علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید، به ابهام‌زدایی برخیز و با منطق روشن، دلیل خود را از انجام هر کار بیان کن و گمان‌های دیگران را در مورد خود تعدیل و تصحیح نما و با رفع ابهام و بیان حقیقت بدگمانی‌ها را از بین می‌بری و به موفقیت خواهی رسید. (همان: ۴۸۹)

چهار. عدالت‌محوری

تأکید بر عدالت به معنای رساندن مردم به حق خود در کاهش تعارضات می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. در همین راستا بر پرهیز از رفتارهای منجر به بروز کدورت و سبک‌های زورمآبانه و در نتیجه شکل‌گیری تعارضات مخرب تأکید شده است و از همه به‌خصوص مدیران خواسته شده است که در جهت حل تعارضات پیشگام باشند. امام علی علیه السلام در نامه مشهور خود به مالک اشتر می‌فرماید، مبادا در مسند قدرت، برخوردهای تو مانند جانور درنده‌ای باشد که فرصت خوردن آنان (زیردستان) را غنیمت شماری. (همان: ۵۶۷)

نتیجه

در زمان کنونی که مدیران کشور در تلاش برای دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هستند، بسیار حیاتی خواهد بود که بحث سرمایه اجتماعی و کنترل و به‌کارگیری مؤثر آن در مسیر رشد و توسعه کشورمان مورد توجه قرار گیرد. این امر تنها در سایه شناخت ماهیت آن، عوامل موجد آن و آشنایی با روش‌های تقویت آن ممکن است. این مقاله تلاش داشت که ضمن توجه به مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی شناختی، دلالت‌های مفهومی آن را در مجموعه آموزه‌های

امامت مشخص کند. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که امامت با ارائه هنجارهایی مانند ایثار، اصلاح بین مردم، صداقت، عقلانیت، روراستی، حسن ظن، صراحت و شفافیت، عدالت، وفاداری، خیرخواهی و ... به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد ذهنیت مثبت فردی و اجتماعی و استحکام روابط اجتماعی و شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی و بالا رفتن اعتماد اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و از عوامل مهم و اساسی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شناختی و تقویت آن در ابعاد ذهنی و عینی محسوب می‌شوند.

آنچه موجب تمایز هنجارهای سرمایه اجتماعی در این آموزه‌ها با هنجارهای متعارف سرمایه اجتماعی می‌شود، لحاظ رضایت الهی و تأکید خاص بر اعتماد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مسلمانان است. کنش‌ها بر اساس این هنجارها فرامادی شده و با مطرح کردن کمال واقعی انسان یعنی تقرب به خداوند سرمایه اجتماعی متعالی را شکل می‌دهند و تقوا به این معنا که فرد موحد با تنظیم روابط خود در تمامی سطوح، رضایت خداوند را مد نظر دارد به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه مطرح می‌شود.

این هنجارها در وهله نخست به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با مسلمانان ختم می‌شود و در مرحله بعد با گسترش روابط با دیگر انسان‌ها بر اساس تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی را شکل خواهند داد. درواقع باید گفت که امام در اندیشه شیعیان، سرمایه بسیار عظیمی است که در صورت استفاده از آن کشورمان را قادر خواهد کرد که فراتر از مدل‌های صرفاً غربی به کمک مدل‌های برآمده از مفاهیم اساسی و ارزش‌های بنیادی امامت به تقویت اثربخش سرمایه اجتماعی در جامعه بپردازد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۸۲، *مبانی سیاست*، تهران، نشر قومس.

- اختر محقق، مهدی، ۱۳۸۵، *سرمایه اجتماعی*، تهران، نشر مهدی اختر محقق.

- اسماعیلی، حسن، ۱۳۸۵، *بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

- بحرانی، میثم بن علی، ۱۳۵۵، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم، انتشارات مهر.

- تاجبخش، کیان، ۱۳۸۴، *سرمایه اجتماعی اعتماد و دموکراسی*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.

- تحقیقی، امیر حسین، ۱۳۸۲، «سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه»، *فصلنامه اندیشه صادق*، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۲۹ - ۲۰.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، محقق و مصحح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول.
- حکیمی، محمد رضا، ۱۳۸۵، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، قم، انتشارات دلیل ما، چ ۵.
- حمیدی زاده، علی، ۱۳۹۷، «واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران»، *مجله مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۵، ش ۱، ص ۹۱-۱۰۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۶، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
- خدری، غلامحسین، ۱۳۹۴، «کاوشی در معنای تساهل و تسامح در دو فرهنگ اسلامی و غربی»، *فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*، سال دهم، دوره جدید، ش ۳۹، ص ۷۲-۵۰.
- خلفخانی، مهدی، ۱۳۸۶، سرمایه اجتماعی پایگاه اجتماعی توسعه، تهران، پژوهشنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۴، ص ۱۲۴-۹۱.
- خوش چهره، محمد و همکاران، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی و توسعه، نشر راهبرد یاس، ش ۱۶، ص ۵۴-۹.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷، *فرهنگ دهخدا*، تهران، چاپ سیروس، چ ۱.
- دهقانی، بابک، ۱۳۸۲، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، *فصلنامه اندیشه صادق*، ش ۱۱ و ۱۲.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *آنا تومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار لیتوگرافی کاوه نو، چ ۳.
- شارع پور، محمود، ۱۳۸۵، *سرمایه اجتماعی: مفهوم سازی، سنجش و دلالت های سیاست گذاری*، ساری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران.
- شیخ رضی، شریف، ۱۳۷۹، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات لاهیجی.
- شیرخانی، علی، ۱۳۹۷، «نصیحت در فقه سیاسی شیعه»، *مجله علوم سیاسی*، سال بیست و یکم، ش ۸۳.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۲، *الخصال*، ترجمه یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی، ۱۳۸۶، «سرمایه اجتماعی در ایرانی، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۶، ش ۲۵، ص ۲۳۲-۱۹۵.

- علینی، محمد، غفاری، غلامرضا، زهیری، علیرضا، ۱۳۹۳، *مبانی دینی سرمایه اجتماعی و نسبت آن با حکمرانی خوب دانشگاه باقر العلوم*، ش ۶۷.
- فتحی، یوسف، ۱۳۹۲، *سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی*، تهران، نشر معارف.
- فیلد، جان، ۱۳۸۶، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران، انتشارات کویر.
- کتابی، محمود، گنجی، محمد، احمدی، یعقوب و رضا معصومی، ۱۳۸۳، «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۱۷، ص ۱۹۲-۱۶۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۶، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات اسوه.
- گنجی، محمد و مینا هلالی ستوده، ۱۳۹۰، «رابطه گونه‌های دین‌داری و سرمایه اجتماعی (رویکردی نظری و تجربی در بین مردم شهرستان کاشان)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۲، ص ۱۲۰-۹۵.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۱، *بحارالانوار*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۴، *میزان الحکمه*، قم، انتشارات دارالحدیث.
- میریان، فردوس و محسن صمدانیان، ۱۳۸۸، «هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، *مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث*، سال چهل و یکم، ش پیاپی ۳ / ۸۲، ص ۱۵۸-۱۲۷.
- نصیری‌زاده، مژگان، ۱۳۸۷، «علل عدم صداقت در سازمانها و نقش مدیران در ترویج صداقت»، *دانشگاه علوم پزشکی تهران*، معاونت توسعه مدیریت و برنامه ریزی منابع، *مجله الکترونیکی بیک مدیران*، ص ۳-۱.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۱۲ ق، *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل‌البیت لاجیاء التراث.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۵، *یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، دفتر طرح‌های ملی مرکز آمار ایران، موج سوم، گزارش کشوری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی.
- Batson C, Thompson E, Seufferling G, Whitney H, Strongman J, 1999, Moral hypocrisy: Appearing moral to oneself without being so, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 77 (3), P. 525-537.
- Durkheim, E, 1912, *Les Formes Elementaires de la vie Religieuse*, Paris, Alcan.
- Greeley, A, 1997a, "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." *American Behavioral Scientist*, Vol. 40 (5), P. 587-594.
- Grootaert, christiaan, DeepaNarayan, Veronica Nyhan Jones and Michael woolcock, 2005, *Measuring Social Capital an Integrated Questionnaire*, world bank working paper, no. 18.

- Ikonen, M, 2013, Trust Development and Dynamics at Dyadic level, A Narrative Approach to Studying Processes of Interpersonal Trust in Leader-Follower Relationships, *Dissertations in Social Sciences and Business Studies*, University of Eastern Finland.
- Karakas, F. & Sarigollu, E, 2012, Benevolent leadership: conceptualization and construct development, *Journal of Business Ethics*, Vol. 108 (7), P. 537-553.
- Krishna, anirudh and Elizabeth shrader, 2000, *Cross-Cultural Measure of Social capital: a tool and results from India and Panama*, Washington DC: world bank social capital initiative paper, no. 21.
- Lowe KB, Cordery J, Morrison D, 2004, A model for the attribution of leader integrity: *Peeking inside the black box of authentic leadership*, Gallup Leadership Institute conference, Lincoln: University of Nebraska Press, P. 46-50.
- Mayer, R. C., Davis, J. H. & Schoorman, F. D, 1995, *An integrative model of organizational trust*, Academy of Management Review, Vol. 20, P: 709-734.
- Mcknight, D. H. & Chervany, N. L, 2001, *Conceptualizing Trust: A Typology and E- Commerce Customer Relationships Model*, proceedings of The 34 th Hawaii international Conference On System Scieece.
- Möllering, G., Bachmann, R. & Soo, H. L, 2004, Introduction: Derstanding Organizational Trust Foundations, Constellations and Issues Of Operationalization, *Journal of Managerial Psychology*, Vol. 19 (6), P: 556-570.
- UNESCO, 1995, *"Declaration of Principles on Tolerance"*, URL: <http://www.unesco.org / cpp, 1387/8/15>.
- Uphoff, N, 2000, "Understanding social capital: Learning from the analysis and experience of participation". In: Dasgupta, p. and Serageldin, (eds.), *Social Capital: A Multifaceted Perspective*, Washington, DC: The World Bank.
- Wang, A.C. & Cheng, B.S, 2010, When does benevolent leadership lead to creativity? The moderating role of creative role identity and job autonomy, *Journal of Organizational Behavior*, Vol. 31 (1), P. 106-121.
- Weller, paul, 2011, religions and social capital, theses on religion (s), and social (ies): with particular referenece to the united kingdom, and the European union, *Journal of internation migration and integration*, vol. 6, No. 2, 271-289, doi:10, 1007/s 12134.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی